

*Research Article*  
***Proof of Mahdism in the Philosophy of Mulla Sadra and Contemporary  
Islamic Jurists***

Rahim Habibollahi<sup>1</sup>, Meysam Amani<sup>2</sup>, Seyed Sajad Sadatizadeh<sup>3</sup>

Received: 2023/07/06

Accepted: 2023/09/16

**Abstract**

*The idea of Mahdism and the emergence of the savior of the world of humanity is a great belief that has its roots in the depths of history. Not only in Islam, but also in religions and sects before Islam, and each of them has believed in this in some way. Even non-religious and religious schools such as Zoroastrianism, Buddhism, Hinduism, etc. believe in a savior and deliverer in the end times. The raging current of this thought in the bedrock of religions and sects and human culture has provided a multitude of awareness-- prophecies-- ideals, legends and imaginations. However, Shiites have driven away the demon of despair and hopelessness and are optimistic about the bright end and destiny of humanity and consider the future of the world victorious, but they believe that human laws and regulations are not enough to reform and govern the world. Rather, they consider only the comprehensive and solid laws and orders of Islam, which originate from the source of revelation and inspiration, to be righteous for ensuring human happiness. In this article, we want to discuss and examine Mahdism in the thought of Mulla Sadra and Islamic jurists and explain it in terms of the foundations of Mahdism, the position of Mahdism, the proof of Mahdism from Mulla Sadra's point of view, epistemology, etc., using a descriptive and analytical method. Finally, based on the above-mentioned materials, we will reach the desired and desired result. Islamic jurists consider waiting to be life-giving and the waiting society to be dynamic and flourishing. They clearly confirm the realization of systematic jurisprudence in the waiting society and believe that the principle and foundation of this established system and its branches are signatures. They consider faith in the school and courage in expressing it, a critical view of Western civilization, and attention to goal-oriented jurisprudence to be important prerequisites for the approach of systematic jurisprudence in the era of occultation.*

**Keywords:** *Mahdism, Imamate, Wilayat, Perfect Man, Jurisprudence.*

---

<sup>1</sup> - PhD student, Department of Philosophy and Islamic Theology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

<sup>2,4</sup> - Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (corresponding author)

<sup>3</sup> - Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Dezful University of Medical Sciences, Dezful, Iran.



## اثبات مهدویت در فلسفه ملاصدرا و فقهای اسلامی معاصر رحیم حبیب الهی<sup>۱</sup>، میثم امانی<sup>۲</sup>، سید سجاد ساداتی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

اندیشه مهدویت و ظهور منجی عالم بشریت باور سترگی است که ریشه در اعماق تاریخ دارد. نه تنها در اسلام بلکه ریشه در ادیان و مذاهب قبل از اسلام هم دارد و هر کدام به نوعی بر این باور بوده اند. حتی مکاتب غیر مذهبی و دینی مثل زرتشت، بودایی، هندو و غیره هم به یک منجی و نجات دهنده در آخرالزمان اعتقاد و باور دارند. جریان خروشان این تفکر در ستر ادیان و مذاهب و فرهنگ بشری، انبوهی از آگاهی‌ها—پیشگویی‌ها—آرمان‌ها، افسانه‌ها و تخیلاتی را فراهم آورده است. اما شیعیان، دیو یاس و ناامیدی را از خویش دور رانده و به عاقبت و سرنوشت روشن بشر خوشبین هستند و آینده جهان را پیروز می‌دانند، ولی عقیده دارند که احکام و قوانین بشری برای اصلاح و اداره جهان، کافی نیست. بلکه فقط قوانین و دستورات جامع و متین اسلام را که از منبع وحی و الهام سرچشمه گرفته را برای تامین سعادت بشر صالح می‌دانند. در این مقاله ما می‌خواهیم مهدویت را در اندیشه ملاصدرا و فقهای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار داده و از حیث مبانی مهدویت، جایگاه مهدویت، اثبات مهدویت از نظر ملاصدرا و معرفت‌شناسی و ... حضرت را با روش توصیفی و تحلیلی تبیین نموده و در پایان با توجه به مطالب ذکر شده به نتیجه مطلوب و مورد نظر برسیم. فقهای اسلامی انتظار را حیات بخش و جامعه منتظر را پویا و شکوفا معنا می‌کند. تحقق فقه نظام واره در جامعه منتظر را به روشنی تأیید می‌کند و معتقد است که اصل و بنیان این نظام تأسیسی و فروع آن امضایی است. ایشان ایمان به مکتب و شجاعت در بیان آن، نگاه انتقادی به تمدن غرب و توجه به فقه غایت مدار را از پیش نیازهای مهم رویکرد فقه نظام واره در عصر غیبت می‌دانند.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، امامت، ولایت، انسان کامل، فقه

<sup>1</sup> - دانشجوی دکتری، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

<sup>2</sup> - استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) meysamamani1359@yahoo.com

<sup>3</sup> - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران.

موضوع مهدویت و اعتقاد به قول ضرورت و جوب وجود یک امام در هر زمان، اهمیت تبیین و دفاع از مهدویت را بیشتر می کند زیرا این اعتقاد مشترک بین همه ادیان و مذاهب به منجی عالم، حتی در ادیان غیر الهی مثل زرتشت-- بودا و غیره باعث نیاز به امام و هدایتگر معصوم در هر زمان به منظور استمرار خط نبوت و امتداد آن از لحاظ حکم موجب می شود دایره نبوت بسته نمی باشد و ولایت مهدوی در امتداد دایره نبوت قرار گیرد. بنابراین در بررسی آرای فلسفی ملا صدرا پیرامون مهدویت که موضوع همین مقاله است، باید بیش از هر چیز به استدلال های ایشان بر ضرورت وجود امام در هر زمان توجه کرد. ملا صدرا ده استدلال بر وجوب وجود امام در هر زمان می آورد، بعنوان مثال استدلال اول خود را در تفسیر حدیث سوم از باب «الاضطرار الی الحجه» بیان می کند. وی همچنین استدلال دوم خود را بر وجوب وجود امام در هر زمان در شرح حدیث اول از باب «ان الارض لاتخلوا من حجه» مطرح می کند. بدین ترتیب که نصب امام لطفی از جانب خداوند بر بندگان است. چرا که با وجود امام به عنوان رئیس قاهر، دوری امت از امور قبیح و نزدیکی شان به واجبات بیشتر می شود. از طرف دیگر، فعل لطف بر خداوند واجب است، پس نصب امام بر خدا، واجب است. (1)

### تعریف مهدویت :

مهدویت مصدر جعلی کلمه مهدی است و در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام را می گویند که از جمله ی معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است که اسلام وعده قطعی ظهورش را داده و استمرار ولایت و عدالت در سراسر جهان به دست ایشان مقرر خواهد شد. (2) عقیده به پیدایی و ظهور نجات دهنده ی غیبی و مصلح جهانی و انتظار فرج عالم بشریت از اعتقادات مسلم مسلمانان، خصوصاً شیعیان است که می گویند از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) خواهد بود و شخص پیغمبر اسلام (ص) این عقیده را بارها در بین مسلمانان رواج داد و نوید پیدایی چنین مصلحی را اعلام کرده بود.

1- ملا صدرا، شرح اصول کافی، کتاب حجت، ترجمه و تصحیح محمد خواجوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول

2- معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، سید محسن طباطبایی و دیگران، ص 28  
این موضوع در اسلام به قدری مسلم است که در باره آن کتاب هایی تألیف شده است که تاریخ نگارش بعضی از آن ها، سال ها پیش از تولد حضرت مهدی (عج) بوده. مانند کتاب المشیخه که یک صد سال قبل از غیبت نوشته شده و اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی (عج) در آن آمده است. احادیث و روایات در خصوص امام مهدی را نه تنها شیعیان بلکه اهل سنت نیز در کتب صحاح خود جمع آوری کرده اند. (1)  
در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر منجی عالم بشریت، مهدی موعود دارد که در اینجا ما فقط دو آیه را بعنوان نمونه ذکر می کنیم. یکی آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیا، که ترجمه آیه این است، «ما بعد از آنکه در تورات نوشته بودیم، در زبور هم نوشتیم که بندگان شایسته ی ما، وارث زمین می شوند.» (2)

دوم: سوره ی قصص، آیه ی پنج، که ترجمه آیه این است. «ما اراده کردیم که بر ضعفهای زمین منت نهاده و آنان را پیشوا و وارث زمینشان گردانیم» (3) ولی متاسفانه عده ای از مدعیان دروغین که در طول تاریخ خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرده اند، که البته این عده کم هم نیستند، ولی مشهورترین آنها کسانی که در تاریخ به مدعیان مهدویت شهرت یافته اند را به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند: الف- کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی، آنان را مهدی موعود خواندند (مانند: محمد حنفیه، زید، محمد بن عبدالله محض)

و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغین نمودند (مانند: مهدی عباسی)

ج-- کسانی که طبق نقشه ی استعمار و به اشاره ی بیدادگران، به چنین دجال گری و فریب دست یازیدن و خود را مهدی موعود معرفی کردند (مانند: علی محمد باب) (4)

### مبانی مهدویت در فقه اسلامی

مسئله مهدویت به صراحت در قرآن نیامده اما در کتاب معجم احادیث امام مهدی (عج) فقها، برخی آیات قرآن را مرتبط به موضوع مهدویت دانسته اند. مفسران فقهی دو دسته از آیات قرآن را برای مسئله مهدویت استفاده می کنند.

1. آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارد: مثل آیه ۷ سوره رعد، که امام صادق (ع)، ششمین امام شیعیان، در تفسیر آیه بیان کرده اند: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا (ص) آورده، هدایت می کند».

2. آیاتی که به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین اشاره دارد: مثل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۵ سوره قصص. همچنین در آیه ۵۵ سوره نور خداوند حکومت و جانشینی مومنان و صالحان را به عنوان وعده الهی بر بندگان مومن خود بیان می کند و امنیت و آرامش را مژده می دهد.

در دیدگاه مفسران شیعه و با استناد به سخنان اهل بیت قرآن درباره ویژگی های عصر غیبت و همچنین نشانه های عصر ظهور و دوران پس از آن سخن گفته است.

در دیدگاه مفسران فقهی و با استناد به سخنان اهل بیت قرآن درباره ویژگی های عصر غیبت و همچنین نشانه های عصر ظهور و دوران پس از آن سخن گفته است. در ویژگی های عصر غیبت قرآن کریم درباره مقام و منزلت منتظران در عصر غیبت (بقره، ۳-۱) [یادداشت ۴]، صبر و ارتباط قلبی (آل عمران، آیه ۲۰۰) [یادداشت ۵]، اطاعت محض (نساء، آیه ۵۹) [یادداشت ۶] و امتحانات بسیار دشوار آنها (بقره، آیه ۱۵۵) [یادداشت ۷] و شرایط سخت زندگی منتظران (یوسف، آیه ۱۱۰) [یادداشت ۸] و پاداش بر این دشواری ها را بیان می کند. (نساء، آیه ۶۹) [یادداشت ۹] قرآن در آیه ۴۶ سوره ابراهیم به توطئه هایی اشاره می کند که به هدف تضعیف اعتقادات مردم انجام می شود. امام صادق (ع) در حدیثی این آیه را به تلاش دشمنان در عصر غیبت برای زائل کردن اعتقاد مردم به مسئله مهدویت تفسیر کرده است. [۱۰] مسئله اختلاف مردم درباره اعتقاد به مهدویت (شوری، ۱۸) [یادداشت ۱۰] و همچنین سرگردانی مردم در تشخیص حق (یونس، ۵) [یادداشت ۱۱] و قساوت دل

ها (حدید، ۱۶) [یادداشت ۱۲] و انکار و تکذیب امام زمان در عصر غیبت (فرقان، ۱۱) [یادداشت ۱۳] ثابت نمی‌ماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و نسبت به ما اهل بیت تسلیم باشد. <ref/> از جمله موضوعاتی است که مفسران از شیعه به آیات مختلفی در قرآن کریم استناد می‌کنند.

نشانه‌های ظهور هم موضوعی است که مفسران فقهی به آن اشاره می‌کنند؛ کشتار بی‌سابقه مردم (مریم، ۳۷) [یادداشت ۱۴] کشته شدن کسانی که در حق پیامبر و عترت او مرتکب ظلمی شده‌اند (سوره اسراء، ۴-۶) [یادداشت ۱۵] و نزول عذاب در عصر غیبت به جهت امتحان [یادداشت ۱۶] و عذاب گنه کاران و مؤاخذه آنها (فصلت، ۱۶) [یادداشت ۱۷] از جمله آنهاست.

### مهودیت در روایات فقهی

روایات فقهی در موضوع مهودیت بسیار زیاد و گسترده است. روایان فقهی مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره مهودیت روایت کرده‌اند. موضوعاتی که این روایات مورد بررسی قرار داده‌اند، شخصیت امام مهدی (ع) [یادداشت ۱۸] [۱۲] شخصیت منتظران وی [یادداشت ۱۹] [۱۳]، ارزش و فضیلت انتظار فرج [یادداشت ۲۰] [۱۴] و نشانه‌های ظهور [یادداشت ۲۱] [۱۵] و همچنین حوادث هنگام ظهور [یادداشت ۲۲] [۱۶] و جهان پس از ظهور [یادداشت ۲۳] [۱۷] است.

در احادیث نقل شده از پیامبر شخصیت امام زمان شبیه ستاره تابناک و طاووس بهشتی توصیف شده است: المهدی رجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ لِلدَّرِيِّ؛ [۱۸] «مهدی مردی است از فرزندان من که چهره‌اش چون اختر تابناک است». المهدی طاووسُ أهلِ الجنة. [۱۹] «مهدی طاووس بهشتیان است.» [یادداشت ۲۴] امام علی (ع) هم وی را حجت خدا، پایان بخش سلسله امامان و نجات بخش امت و اوج نور و راز نهان دانسته است. «بِمَهْدِينَا تَنْقَطِعُ الْحُجُجُ فَهُوَ خَاتِمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مُنْقِذُ الْأُمَّةِ وَ مُنْتَهَى النُّورِ وَ غَامِضُ السِّرِّ» [۲۰]

درباره شخصیت منتظران وی امام علی (ع) می‌فرماید: أصحابُ المهدی شبابٌ لا کهُولَ فیهم. [۲۱] «یاران مهدی جوان‌اند و میان سالی در میان آنان نیست.» امام باقر (ع) هم فرمود: کأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ. [۲۲] «گویا یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب عالم مسلط شده‌اند و هیچ چیزی نیست مگر آن که از آنها فرمان می‌برد.»

بنابر اعتقاد شیعیان و با استفاده از احادیث ائمه، انتظار فرج یکی از مهم‌ترین اعمال در عصر غیبت است و اهمیت آن مثل شمشیر زدن پیشاپیش پیامبر خدا (ص) می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالسَّيْفِ. [۲۳]

امام علی (ع) در جملاتی که به نشانه‌های ظهور مربوط است فرموده‌اند: بَيْنَ يَدَي الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبْيَضٌ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَالْوَأْنِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ لِلْأَحْمَرِ فَالسَّيْفُ وَ أَمَّا الْمَوْتُ لِلْأَبْيَضِ فَالطَّاعُونُ. [۲۴] «قبل از قیام قائم مردم گرفتار مرگ قرمز و سفید خواهند شد و گرفتار (هجوم) ملخ‌هایی به هنگام و ملخ‌هایی نابه‌هنگام به رنگ سرخ، همچون خون خواهد بود. فرمود: مقصود از مرگ قرمز شمشیر است و از مرگ سفید هم طاعون می‌باشد.»

جهان پس از ظهور و حوادث آن هم در روایات شیعه به روشنی بیان شده است. امام سجاد(ع) می‌فرماید: إذا قام قائمنا أذهبَ اللهُ عن شيعتنا العاهة، وجعلَ قلوبهم كزبر الحديد، وجعلَ قوَّةَ الرجلِ منهم قوَّةَ أربعينَ رجلاً، ويكفونون حُكَّامَ الأرضِ وسنَّامها. [۲۵] «زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما می‌زداید و دل‌های آنان را چون پاره‌های آهن [سخت و تزلزل‌ناپذیر] می‌کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد می‌دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.»

## مهدویت از منظر فقه فریقین

مهدویت از دیدگاه فقه‌های زیدیه

زیدیه مانند دیگر فرق اسلامی به اصل مهدویت اعتقاد دارند. آنان، متولد شدن امام مهدی در گذشته و غیبت آن را نمی‌پذیرند و تنها معتقد به موعود بودن و ظهور امام مهدی در آخرالزمان هستند. از نگاه زیدیه، غیبت امام با شرط خروج امام و دعوت به امامت خود منافات دارد. [۵۱] از این رو انطباق مصداق امام موعود و منتظر در امام دوازدهم شیعیان اثنا عشری، را رد کرده یا حداقل تأیید نمی‌کنند. آنان تنها معتقدند امام منتظر در آخرالزمان به دنیا آمده و قیام خواهد کرد. به طور کلی مهدویت در زیدیه، مهدویت نوعیه است. آنها آخرین امام از سلسله ائمه را که جهان را پر از عدل و داد کند مهدی موعود می‌دانند و معتقدند باید از هر سیدی که دعوت به خود کند پیروی کرد چه بسا او همان مهدی موعود باشد [۵۲] اگر جهان را پر از عدل و داد کرد و کار را به اتمام رساند، مهدی موعود بودن او معلوم می‌شود، در غیر این صورت منتظر سید دیگری می‌مانند. [۵۳]. با این حال در طول تاریخ گروه‌هایی از زیدیه، ادعای مهدویت امامانی که در قیام‌ها کشته شده را مطرح می‌کردند و معتقد بودند آنان روزی باز خواهند گشت و جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد. آنان در مورد زید بن علی، [۵۴] نفس زکیه، [۵۵] محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (م ۲۱۹ق)، [۵۶] یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین (م ۲۵۰ق) [۵۷] و حسین بن قاسم عیانی (م ۴۰۴ق) ادعای مهدویت کرده‌اند. [۵۸]

## مهدویت از دیدگاه فقه‌های اسماعیلیه

مسئله مهدویت به عنوان یک آموزه اصیل در اسماعیلیه شمرده می‌شود. مهدویت‌گرایی در این فرقه، اندیشه ثابت نبوده بلکه به موازات انشعابات در این فرقه نظریات متعددی درباره مهدویت ارائه شده است. بر این اساس اسماعیلیه خالصه نخستین گروهی در این فرقه بودند که اندیشه مهدویت را مطرح کردند. آنان پس از مرگ اسماعیل فرزند امام صادق(ع) معتقد شدند وی نمرده و نخواهد مرد زیرا او مهدی قائم است. بر این اساس آنها از واژگانی نظیر قائم، حی، غلب، ستره، منتظر و مهدی که در روایات به عنوان ویژگی منجی آخرالزمان عنوان شده بود، استفاده می‌کردند. [۵۹] [۶۰] [۶۱]. گروه دیگر به نام مبارکیه با پذیرش مرگ اسماعیل، فرزندش محمد را به عنوان امام پس از او دانستند. بیشتر مبارکیه که بعدها قرامطه خوانده شدند پس از مرگ محمد، معتقد شدند او نمرده بلکه در غیبت به سر می‌برد و در آینده به عنوان قائم ظهور خواهد کرد. [۶۲] برخی از خلفای فاطمی نیز از مسأله مهدویت برای خود بهره برداری نموده و ادعای مهدویت کردند

## دیدگاه فقهای شیخیه

## مهدویت از دیدگاه فقهای صوفیه

که از آن جمله می‌توان به عبیدالله مهدی بنیانگذار دولت فاطمیان و فرزندش محمد بن عبیدالله ملقب به قائم اشاره کرد. [۶۳]. اسماعیلیه همانند امامیه در پذیرفتن اصل غیبت با امامیه هم نظرند اما با توجه به تفاوت مصداق امام منتظر قائم با امامیه، برخی آنان معتقد به غیبت اسماعیل بن جعفر (ع) و برخی دیگر معتقد به غیبت محمد بن اسماعیل شدند. [۶۴]

اندیشه مهدویت در تصوف، بیش از آن که باوری دینی باشد، آموزه‌ای عرفانی است؛ با ابعاد تکوینی، تشریحی و سلوکی. [۶۵] از آنجاکه مهدویت به صورت موضوعی مستقل، چندان در آثار صوفیه و عرفان مطرح نشده است، این آموزه در تصوف و عرفان اسلامی را باید ذیل بحث ولایت و ختم ولایت جستجو کرد. [۶۶] در آثار مکتوب عرفانی قرون نخستین تصوف (قرن دوم تا پنجم هجری)، اصطلاحاتی مانند قائم، موعود، منجی، حجت مصلح و... زیر سایه بحث ختم ولایت معنا می‌یابد. [۶۷] حکیم ترمذی (م ۲۸۵ ق) نخست صوفی است که با نگارش کتاب ختم الولایه در دوران غیبت صغری، درباره ختم ولایت سخن گفته است. [۶۸] ابن عربی نیز مباحث مهدویت و خاتم‌الاولیای خود را در کتاب فتوحات المکیه ناظر بر پرسش‌های حکیم ترمذی مطرح کرده است. ترمذی در ختم الاولیاء از «مهدی آخرالزمان» سخن می‌گوید که برای برپاداشتن عدل قیام خواهد کرد؛ البته ترمذی درباره خاتم الاولیاء نامی از شخص خاصی نمی‌برد و نمی‌توان گفت «مهدی» ای که او از آن نام برده است همان مهدی موردنظر شیعیان است. [۶۹] ابن عربی (۶۳۸-۵۶۰ ق) باب ۳۶۶ فتوحات المکیه را «فی معرفه منزل وزراء المهدی الظاهر فی آخر الزمان الذی بشر به رسول الله (ص) و هو من اهل البيت» نام‌گذاری کرده است. وی آن حضرت را طبق روایات شیعه و اهل سنت، شخصی می‌داند که بعد از پر شدن زمین از ظلم و جور، زمین را از عدالت پر می‌کند و اگر از عمر زمین تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز طولانی می‌کند تا عدالت در زمین گستره شود؛ البته ابن عربی، آن حضرت را از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می‌داند که خَلَقاً (شباهت ظاهری) و خُلُقاً (شباهت اخلاقی) شبیه‌ترین به پیامبر اکرم (ص) است. [۷۰] در مورد اینکه ابن عربی، حضرت مهدی (عج) را از فرزندان امام حسن (ع) دانسته است دو نکته می‌توان گفت:

طبق آنچه ملاصدرا، شیخ بهایی و عبدالوهاب شعرانی، همین متن را از ابن عربی نقل کرده‌اند، نه تنها جد حضرت مهدی را امام حسین (ع) دانسته است، بلکه تمامی سلسله اجداد آن حضرت را دقیقاً مطابق نظر شیعه می‌شمارد؛

حتی اگر قائل به تحریف در کتاب فتوحات نشویم، اینکه جد حضرت مهدی (عج) را امام حسن (ع) بدانیم با حدیث نبوی که فرمودند: «... مهدی از فرزندان حسین و حسن است.» [۷۱] قابل حل است. [۷۲]

سید حیدر آملی (ولادت ۷۲۰ ق) در جامع الاسرار و منبع الانوار بحث مهدی قائم، صاحب الزمان و قطب وقت را مطرح می‌کند. او بر این باور است که ولایت مطلقه نیز مربوط به حقیقت کلیه حضرت ختمی مرتبت (ص)

است. مظهر آن از نظر ابن عربی، حضرت عیسی(ع) و از نظر سید حیدر آملی، امام علی(ع) است. مظهر ولایت مقیده نیز که از نظر ابن عربی، خود ابن عربی است و از نظر سید حیدر، حضرت مهدی(عج). سید حیدر نظرات ابن عربی در این موضوع را خلاف عقل و نقل و کشف می‌داند. [۷۳] نظرات صوفیه در جزئیات آموزه مهدویت به موضع امامیه نزدیک است. شخصیت‌های مهم صوفیه مانند سعدالدین حمویه (م ۶۵۰ ق)، از مریدان شیخ نجم‌الدین کبری [۷۴] شاه نعمت‌الله ولی (۸۳۲-۷۳۰ ق) در رساله مهدیه، [۷۵] ابراهیم بن محمد جوینی (۶۴۴-۷۲۲ ق) در کتاب فرائد السمطین، [۷۶] عبدالوهاب شعرانی (۸۹۸-۹۷۳ ق) در الیواقیت و الجواهر، [۷۷] شیخ محمد لاهیجی (م ۹۱۲ ق) در شرح گلشن راز [۷۸] نظرات خود را درباره موضوع مهدویت بیان کرده‌اند که بسیار نزدیک به نظر امامیه است. در میان صوفیه، سابقه ادعای مهدویت هم دیده می‌شود. سید محمد نوربخش که از صوفیان مهم و تأثیرگذار قرن نهم هجری و مؤسس سلسله نوربخشیه است، در رساله الهدی، صراحتاً ادعای مهدویت می‌کند و بر ادعای خود ادله‌ای نیز می‌چیند. [۷۹] جریان تصوف همواره کوشیده تا بُعد عرفانی، فرا تاریخی و قدسی این مفهوم را در درجه اول اهمیت بداند. از آنجاکه جهان‌بینی صوفیانه، معطوف به ابعاد فرا تاریخی (انفسی) است، شخصیت تاریخی مهدی را نیز به ابعاد فرا تاریخی و باطنی تأویل می‌کند. بر این اساس تمام ویژگی‌ها و علائمی را که درباره ظهور حضرت مهدی(عج) تاریخی در روایات شیعی مطرح شده است، بیشتر به ابعاد انفسی احاله می‌کند تا جایگاه مقدس آن نیز محفوظ بماند و از عرفی و سطحی شدن آن جلوگیری شود. این موضوع را برای مثال در آثار دو عارف اواخر عصر قاجار، سلطان علیشاه گنابادی و صفی علیشاه اصفهانی می‌توان دید. [۸۰]

### دیدگاه فقه‌های اسلامی درباره مهدویت

موضوع پژوهش برخی از فقه‌های اسلامی مسئله مهدویت بوده است و دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه دارند. علامه طباطبایی با نگاه پدیدارشناسانه مهدویت را از محوری‌ترین عناصر اعتقادی عرفان و حکمت شیعی تلقی می‌کند از نظر وی مهدویت به معنای تفسیر باطن دین و ظهور امام احیای دوباره حیات انسان‌ها است. از نگاه او با ظهور همه مبانی پنهان یا معانی معنوی وحی الهی آشکار می‌شود.



مبانی مهدویت عبارتند از: انسان کامل - امامت و ولایت -- واسطه فیض الهی - برهان اتمام حجت --  
برهان تجلی اعظم -- برهان علت غایی و....

در اینجا هر کدام از مبانی فوق الذکر را بطور خلاصه و مجمل توضیح و تحلیل می کنیم.

1- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص 65-67

3و2- قرآن کریم، آیه 105 سوره ی انبیاء - سوره ی قصص، آیه 5

4- سیدمحمد کاظم قزوینی، امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، ص 566

### انسان کامل:

در تمام فرهنگ ها و مکاتب فکری و فلسفی ردپایی از انسان کامل وجود دارد. در مکتب فلسفی -- عرفانی صدر المتالهین شیرازی رحمت الله علیه مفصل راجع به انسان کامل بحث شده است.

نباید از نظر دور داشت که در شناسایی انسان کامل در هر دوره ای از ادوار بر روی مفهومی خاص تکیه شده و هر مکتب و نظام فکری در شناسایی انسان کامل بر مفهومی ویژه و برداشتی خاص از انسان تکیه دارد، در واقع تلقی وی را از انسان نشان می دهد. ولی از آنجایی که انسان کامل دارای ابعاد گوناگونی است، لذا مفاهیم متعددی بر او حمل می شود که هر مفهوم بیانگر بعدی از ابعاد اوست. از همین رو در تمام فرهنگ ها و مکاتب فکری و فلسفی و آیین ها و مذاهب و ادیان الهی ردپایی از انسان کامل را مشاهده می کنیم.

اما هدف ما این است که در مکتب فلسفی -- عرفانی صدرالفلاسفه و شیخ العرفا مرحوم صدرالمتالهین شیرازی به تحلیل انسان کامل و مطلوب از دیدگاه ایشان بپردازیم.

ملاصدرا در تبیین عرفانی خود از سیمای انسان کامل به تاسی از محی الدین عربی، انسان کامل را نسخه الهی و دارای جامعیت کبرا و عالم صغیر می داند، همچنان که عالم، انسان کبیر است. او معتقد است انسان حقیقت واحد ذو مراتبی است که در ذات و گوهر خود دائما در تحول و سیلان است و به واسطه این حرکت در جانب علم می تواند از مرتبه طبیعت به مجرد مثالی و سپس به مجرد عقلی و در نهایت به مقام فوق مجرد یعنی مقام الهی که هیچ حد و محدودیت و ماهیتی ندارد نائل آید. همانطور که در جلنب عمل نیز پس از تخلیه و تجلیه و تحلیه و طی اسفار اربعه الی الله به مقام «انسان کامل» و خلیفه خداوند بر روی زمین نائل می گردد (1)

به عقیده ملاصدرا صدرا خلافت این چنین انسانی خود دو گونه است، چرا که او از طرفی همه ی حقایق عالم اعلی و سفلی را در خود جمع دارد. از این جهت او شایسته خلافت کبری در عالم کبیر است و هم از این روست که خداوند ملائکه را فرمود تا آدمیان را سجده کنند، از طرفی دیگر او که این چنین مسجود ملائکه می گردد

به طریق اولی مسجود عالم طبیعت هم هست ، پس برای او خلافت صغرای هم در عالم طبیعت وجود دارد (2).

**امامت و ولایت :** امامت در لغت به معنای پیش روی ، پیش نمازی ، ریاست عامه ، دوستی -- یاری دادن -- به دست گرفتن کاری -- فرماندهی کردن و ... است و در اصطلاح منصب الهی و خدادادی است که در برگزیده همه فضیلت‌ها و کمالات انسانی است . طبق این تعریف امام معصوم علیهم السلام از سوی خداوند و به وسیله

1- ملاصدرا ، اسرار الآیات، ص 239-237

2- ملاصدرا ، اسفار اربعه ، ج 5 ، ص 25

پیامبر ( ص ) تعیین و نصب می شوند، و دارای همان فضایل و امتیازات و اختیارات پیامبر ( ص ) بجز مقام نبوت هستند . بنابراین در تعریف امامت می گوئیم : ریاست عامه امت مسلمان در امر دینی و دنیوی ، و به گونه ای است که به جانشینی پیامبر ( ص ) و برای حفظ و تداوم شریعت الهی است .

یکی از مولفه های امامت ، واجب الاطاعه بودن است . واژه « ولایت و سرپرستی » در تعریف امامت ، معنای وجوب اطاعت را به دنبال دارد ، تصریح به این قید در تعریف امامت ، تاکید بر این است که امام صرفاً فقط راهنما نیست ، بلکه والی و پیشوا نیز هست . در واقع هر امامی واجب الاطاعه است و این وجوب منحصرآ مفهوم حقوقی ندارد ، بلکه مفهوم دینی دارد و بدین معناست که « عدم اطاعت از امام گناه می باشد » .

**تعریف ولایت :** ولایت در لغت یعنی فرمانروایی -- پادشاهی -- دوستداری -- قرابت و خویشی -- به عقیده ملاصدرا ، نبوت از لحاظ ماهیتش از طریق ولایت ادامه خواهد یافت ، به نظر وی ائمه معصومین ( ع ) هم از مصادیق ولی شناخته می شوند . ملاصدرا در کتاب مفاتیح الغیب در بحثی مستقل پیرامون ولایت ، نخست به معنای لغوی ولایت می پردازد . به نظر وی این کلمه از « ولی » مشتق شده و آن به معنای « قرب » است و به همین سبب ، حبیب را به جهت نزدیکی به محبوب « ولی » خوانند .

اما او در بیان معنای اصطلاحی « ولایت » اظهار می دارد که ولایت بر دو قسمت « عام » و « خاص » منقسم می گردد ، ولایت عام از ایمان بخدا و انجام اعمال صالح حاصل می آید و ولایت خاص ، فنای شخص از جهت ذات ، صفت و فعلا در خداوند است . ولایت خاص هم بر دو قسم است ، « ولایت خاص عطایی » و « ولایت خاص کسبی » ولایت خاص عطایی آن است که شخص قبل از هر گونه کوشش و مجاهده ای با نیروی جذب الهی به نزد حق جذب شود ، به چنین شخصی که جذب اش بر مجاهده اش پیشی گرفته باشد ، « محبوب » گفته می شود .

ولایت خاص کسبی آن است که شخص بعد از مجاهده و کوشش به واسطه جذبۀ الهی به قرب حق نایل می‌آید. این شخص را که مجاهده بر جذبۀ اش سبقت دارد، «محب» خوانند. صدرالمতالیهین می‌افزاید که در این ولایت، اگر چه آن را کسبی خوانند، و در نتیجه مجاهده و عبادات و ریاضیات خود شخص است.

اما این گرایش به مجاهده و به جای آوردن عبادات نیز، حاصل جذبۀ باطنی و درونی خداوند است که فرد را از درون دعوت به تقرب الی الله می‌کند و اگر این جذبۀ باطنی نباشد، فرد هرگز از خواسته‌های نفسانی خود دست نمی‌کشد. (1)

1- فصلنامه اندیشه دینی، اصغر پور بهرامی، مقاله مهدویت و ضرورت و جود امام از دیدگاه صدرالمتالیهین، ص 91-114، دانشگاه شیراز، تابستان 1385

ملاصدرا، بر آن است که در مقام مقایسه ولایت خاص عطایی و کسبی، محبوبان یعنی کسانی که واجد ولایت خاص عطایی هستند، از محبان که همان صاحبان ولایت خاص کسبی هستند، دارای کمال بیشتری می‌باشند. وی بر این عقیده است که اصل ولایت، که موجب تمایز ولی از غیر ولی است، علم شهودی برهانی به خداوند، صفات، آیات، ملائکه، کتب و رسل او و روز آخرت است، و این علم هرگز قابل محو و زوال و فراموشی نخواهد بود.

وی هم چنین معتقد است که اگر چه ظهور کرامات و خوارق عادات به دست ولی جایز است، اما ظهور این امور از شرایط ولایت محسوب نمی‌شود تا با وجود آن در هر کسی، آن شخص ولی باشد و با عدمش، ولایت شخص انکار گردد، چه، به عقیده او، گاهی خواری عادات از غیر اولیا نیز صادر می‌شود. (1)

### واسطه فیض الهی :

باید در میان خلق همواره انسان کاملی موجود باشد که تمام کمالات انسانی ممکن در او به فعلیت رسیده باشد و با عالم ربوبی ارتباط داشته باشد تا واسطه بین عالم غیب و نوع انسان محفوظ بماند. اگر چنین برگزیده‌ای در میان بشر نباشد، حرکت تکاملی افراد بی‌غایت و بدون هدف خواهد بود. بر اساس آیات قرآن کریم (آیات ۳۰ و ۲۱۳ سوره ی بقره) پروردگار در نظام خلقت و نیز قانونگذاری، ائمه و حجت‌های خودش را خلیفه روی زمین قرار داده و آنان را مجرای بهره‌وری‌ها و فیض عام و خاص برای مردم ساخته و تمام اسمای الهی را به ایشان آموخته است «و علم آدم الاسما کلها» (2) تا اینکه به اذن او، همچون خودش در همه چیز تصرف و دخالت کنند و جانشین او و عهده‌دار امور زمین و مردم باشند و همچنین است که اگر حجت و خلیفه خدا در زمین نباشد، خاک هستی مردم را در خود فرو خواهد کشید. خداوند متعال، با اسما و صفات عالی‌اش همه چیز و همه پدیده‌ها را آفرید و خود عهده‌دار تمام امور آنهاست.

اما بنای ذات مقدسش بر این است که امور خلقت مادی از طریق اسباب مادی -- و بدون دخالت مستقیم، بلکه با واسطه اداره کند. از جمله اسباب برای اصلاح امور ظاهری و باطنی مردم، پیامبران و جانشینان آنان به خصوص امامان معصوم علیهم السلام هستند. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند ناپسند و ناخوش می‌دارد که امور عالم را بدون اسباب و وسایط اداره کند، از این رو برای هر چیز سببی قرار داده است و برای هر

سبب گستره و میدان قدرت نفوذی قرار داده و برای هر نشانه ای راه ورودی گویا و خواننده به حق مقرر فرموده است.

۱--مفاتیح الغیب ، مع تعلیقات للمولی علی النوری ، صححه وقدم له محمد خواجهوی ، تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ، چاپ اول.

2- قرآن کریم، سوره بقره، آیه 31

هر که او را بشناسد - و به رسمیت بپذیرد ، خدا را شناخته است و هر که او را انکار کند . خدا را انکار کرده است . آن بارگاه و راه ورود رسول الله و ما هستیم .(1)

ملاصدرا « انسان معصوم » را علت پیدایش خلقت و عامل تداوم آن می داند و می گوید : جهان به سبب وجود خاتم الاولیا علیه السلام است که برپا است و روی عدالت جهانی را خواهد دید.

### اثبات امامت حضرت مهدی (عج) :

امامت در لغت به معنای پیشوایی، پیش نمازی ، مقتدایی و...آمده و در اصطلاح یعنی ریاست عامه در امور دین و دنیای مردم ، به نیابت از پیغمبر اکرم ( ص ) .

امامت حضرت مهدی (عج) به چند راه ثابت می شود یکی از راه نص و معجزه و دیگری به دلایل عقلی و نقلی . اما نص : شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سندی صحیح به نقل از یونس ابن عبدالرحمن آورده است که گفت : به محضر امام موسی بن جعفر (ع) مشرف شدم و عرض داشتم : یا بن رسول الله آیا تو قائم بالحق هستی ؟ فرمود ند : من هم قائم بالحق هستم و لکن آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عز وجل پاک می کند و آن را پر از عدالت می نماید ، همچنان که از ظلم و جور وستم پر شده باشد ، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد ، زیرا که بر جان خود می ترسد . در این مدت عده ای از حق برگشته و عده ای دیگر ثابت قدم می مانند . سپس فرمود : خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت مانده و از دشمنان ما بیزار باشند . آنان از ما و ما از آن هاییم .(2)

نمونه های دیگری از نص را می توان در جلد دوم کتاب کمال الدین ، صفحات ۳۷۶ و ۳۸۱ و ۴۰۹ ملاحظه کرد .

اما معجزه : معجزات و کرامات حضرت ، دلیلی بر اثبات امامت اوست . از علی بن محمد سمری نقل شده که به محضر مقدس حضرت مهدی (عج) نامه نوشت و درخواست کفن کرد . جواب آمد که در سال هشتاد یا هشتاد و یکم به آن نیازمند خواهی شد . پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود وفات یافت و یک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد .(3)

و از جمله معجزات آشکار حضرت ، حاجت گرفتن مردم از آن حضرت است که هر از گاهی زبان به زبان می چرخد و مشتاقان را امیدوارتر و مشتاق تر می کند . شفا یافتن بیماران لاعلاج در مسجد جمکران از آن جمله است . در کتاب های کمال الدین شیخ صدوق ، و بحار الانوار علامه مجلسی و نجم الثاقب میرزا حسین نوری از معجزات حضرت بسیار آمده است.

1- رحیم لطیفی، عدله عقلی و نقلی امامت و مهدویت

2- کمال الدین، شیخ صدوق، ج 2، ص 361

3- همان، ج 2، ص 501

### دلایل عقلی و نقلی اثبات مهدویت :

دلایل عقلی عبارتند از : برهان لطف -- برهان عنایت -- برهان فطرت -- برهان واسطه فیض الهی -- برهان علت غایی -- برهان امکان اشرف -- برهان تجلی اعظم -- برهان اتمام حجت و ... برهان های عقلی ذکر شده هر کدام توضیح و تفصیل خود را دارد که ما در بحث مبانی مهدویت چند مورد آنها را شرح دادیم که به نوعی دلایل عقلی محسوب می‌شوند و ما در اینجا فقط به توضیح برهان لطف و برهان امکان اشرف از موارد دلایل عقلی و چند مورد از موارد دلایل نقلی که شامل آیات قرآن و احادیث و روایات هستند می‌پردازیم.

**برهان لطف :** یکی از براهین عقلی که متکلمان زیاد به آن استدلال می‌کنند «قاعده لطف است» : علامه حلی برای اثبات امامت به این قاعده تمسک جسته، می‌گوید : «امامت، ریاست عامه الهی در امور دین و دنیا است، برای شخصی از اشخاص به عنوان نیابت از پیامبر (ص) و این واجب عقلی است، زیرا امامت لطف است. پس ما علم قطعی داریم که اگر برای مردم شخصی باشد که ریاست آنها را بر عهده گیرد و آنها را راهنمایی کند و دیگران از او اطاعت کنند و او حق مظلوم را از ظالم بستاند و ظالم را از ظلم منع کند، مردم به صلاح نزدیکتر و از فساد دورتر می‌شوند. (شرح باب حادی عشر، ص ۸۳)

### قاعده «امکان اشرف» :

ملاصدرا از طریق کاملاً فلسفی که همان اثبات وجود حجت الهی از طریق قاعده «امکان اشرف» است به اثبات امامت می‌پردازد. بر طبق این قاعده، لازم است که در تمام مراحل وجود، ممکن اشرف بر ممکن اخس مقدم باشد. بنابراین هرگاه ممکن اخسی وجود داشته باشد، باید قبل از آن، ممکن اشرف موجود شده باشد. واسطه افاضه وجود و ریزش فیض سلسله وار از اشرف به اخس است، زیرا سلسله وجود در قوس نزول همواره از اشرف به اخس است و این تقدم و سببیت، امری ذاتی و طبیعی است. ملا صدرا در شرح اصول کافی،

ذیل حدیث : «لو لم یبق فی الارض الا ائتان، لکان احدهما الحجه» می‌گوید: نوع نبی و امام، نوع اشرف و عالی از سایر انواع فلکیه و عنصریه است و نسبت حجت به سایر بشر در مرتبه وجود همانند نسبت انسان به حیوان و نسبت حیوان به نبات و نبات به جماد است. بنابراین انسان علت وجود و غایت حقیقی خلقت سایر

موجودات زمینی است که اگر زمین از وجود انسان خالی باشد، همه موجودات، اعم از جماد، نبات و حیوان، نابود می‌شوند.

همین طور اگر زمین از وجود حجت الهی خالی باشد، همه آدمیان نیست و نابود می‌شوند. در واقع آبادانی و بقا انواع مخلوقات مستلزم وجود حجت خدا است. ملاصدرا بر این باور است که حجت خداوند بر خلق همواره یا رسول و نبی است و یا امام و ولی، نبوت قطع شدنی است، اما باطن آن که همان امامت است تا روز قیامت ماندگار می‌باشد.

ملاصدرا در شرح اصول کافی، ذیل حدیث: «لو لم یبق فی الارض الا اثنان، لکان احدهما الحجه» می‌گوید: نوع نبی و امام، نوع اشرف و عالی از سایر انواع فلکیه و عنصریه است. نسبت حجت به سایر بشر در مرتبه وجود همانند نسبت انسان به حیوان و نسبت حیوان به نبات و نبات به جماد است. بنابراین انسان علت وجود و غایت حقیقی خلقت سایر موجودات زمینی است، که اگر زمین از وجود انسان خالی باشد، همه موجودات، اعم از جماد، نبات و حیوان، نابود می‌شوند. همین طور اگر زمین از وجود حجت الهی خالی باشد، همه آدمیان نیست و نابود می‌شوند. در واقع آبادانی و بقا انواع مخلوقات مستلزم وجود حجت خدا است. ملاصدرا بر این باور است که حجت خداوند بر خلق همواره یا رسول و نبی است و یا امام و ولی. نبوت قطع شدنی است، اما باطن آن که همان امامت است تا روز قیامت ماندگار است.

### برهان اتمام حجت:

اگر رهبری امام معصوم علیه السلام در هر دورانی و در میان مردم هر نسلی از نسل‌های بشر نباشد، چه بسا مردم گمراه گشته، گمراهی و فساد خود را معلول نبود این رهبر بدانند. از این رو برای همیشه، خداوند باید امام یا امامانی معصوم در جامعه معین کرده باشد تا حجت را بر مردم تمام کنند و بهانه‌ای برای منحرفان باقی نماند، از این رو خداوند در سوره انعام آیه ۱۴۹ می‌فرماید: «فله الحجه البلغه» بگو ای پیغمبر برای خدا حجت رسا است. و در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «ان الحجه لا تقوم للله عز و جل علی خلقه الا بالامام حتی یعرفونه» یعنی «حجت خدا بر خلقش تمام نشود، مگر به وجود امامی زنده که مردم او را بشناسند».

**دلایل نقلی اثبات مهدویت** شامل: آیات قرآن کریم و احادیث و روایات ماثور از پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی معصومین علیهم السلام که در اینجا به بعضی از آیات قرآن کریم و همچنین بعضی از احادیث و روایات استناد می‌شود. آیات قرآن کریم، در قرآن آیات زیادی دلالت بر منجی عالم بشریت، مهدی موعود وجود دارد که بعضی بیش از یکصد و بیست آیه و طبق بعضی اقوال تا یکصد و چهل آیه در خصوص امام مهدی و حکومت واحد عدل جهانی آورده، که ما اینجا فقط چند آیه را بعنوان نمونه ذکر می‌کنیم. یکی آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیا که ترجمه آیه این است «ما بعد از آنکه در تورات نوشته بودیم، در زبور هم نوشتیم که بندگان شایسته ی ما، وارث زمین می‌شوند»

دوم: سوره ی قصص، آیه پنج، که ترجمه آیه این است. «ما اراده کردیم که بر ضعفهای زمین منت نهاده و آنان را پیشوا و وارث زمینشان گردانیم». آیه دیگر، آیه ۱۴۹ سوره ی انعام، «فله الحجه البالغه» بگو ای پیامبر برای خدا حجت رسا است. صدرالمتهلین در تفسیر آیه ۲۷ سوره الحديد به این مطلب

پیرامون امام دوازدهم اشاره می کند که سنت الهی همواره از آغاز از طریق آدم ، نوح ،وآل ابراهیم (ع) تا زمان نبی اکرم (ص) جاری بوده و پس از ختم نبوت ، از طریق ولایت که همان باطن نبوت است تا روز قیامت جاری خواهد بود وی اظهار می کند که به همین جهت عالم هرگز از حامل این سنت یعنی ولی ، خالی نخواهد ماند . به عقیده وی ، ولی خدا ، صاحب علم الهی ، واجد ریاست مطلق در امر دین و دنیا است ، خواه این ولی از جانب مردم مورد اطاعت قرار گیرد یا نگیرد و خواه ظاهر و آشکار باشد یا نباشد ، در هر صورت و در هر زمانی ، حجتی حامل سنت الهی ، از جانب خداوند وجود دارد. وی سپس بیان می کند که همان طور که نبوت با نبی اکرم (ص) خاتمه یافت ، دوره ولایت هم با مهدی (عج) آخرین فرد از اولاد نبی اکرم (ص) که همانام رسول اکرم است وبا ظهورش زمین را از عدل و قسط پر می کند ، همان طور که از ظلم و جور پر شده است ، خاتمه خواهد یافت .(1)

وی همچنین در شرح اصول الکافی ، ذیل شرح حدیث بیست و یکم از کتاب العقل والجهل ،مطلبی را پیرامون امام دوازدهم می آورد. آنجا که امام محمد باقر (ع) می فرماید : « چون قائم ما قیام کند ، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد ، پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود .(۲) وی ذکر می کند که قائم همان مهدی صاحب الزمان (عج) است که امروز زنده ، اما از دیده هانپهان است . وجود او به نحوی است که ضعیف و بیمار و پیر نمی شود . اما از این وجود ،نباید چنین پنداشت که روح وی از بدنش جداست ، بلکه او می خورد ،می آشامد ،سخن می گوید ،حرکت می کند، می ایستد ، راه می رود ، می نشیند و می نویسد.

صدرالمتالهین کیفیت حیات وزندگانی امام مهدی (عج) را مثل زندگی حضرت عیسی بن مریم (ع) می داند و بر آن است که منکران وجود او ، به سبب قصور علم ، ضعف ایمان و کمبود آگاهی شان از کیفیت این غیبت است که وجود او را انکار یا در آن تردید می ورزند . وی بر آن است که از اخبار و روایات متعدد و صحیح بر می آید که ظهور وی قطعا اتفاق خواهد افتاد ،حتی اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد .(3)

ملاصدرا در زمینه ی اثبات امامت در جای جای کتب عمیق و دقیق خود ،درخششی منحصر به فرد دارد. او در شرح اصول کافی ،کتاب حجت ،فصلی را به نام « ان الحجه لاتقوم لله علی خلقه الا بامام » گشوده است ،امام را حجت خداوند بر خلق معرفی می کند و می گوید چنین است « حجت خدا بر خلقش برپا نگردد جز به وجود امام ، تا شناخته شود » (4)

1- صدر المتالهین، صدرالدین محمد شیرازی ، (1380) ، تفسیر قرآن کریم، جلد6، تصحیح محمد خواجوی، قم : بیدار ، چاپ سوم

2- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد ابن یعقوب ابن اسحاق ، (1389ق/1348 ش) ، اصول کافی ، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی ، الجزء الاول، قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

3- صدر المتالهین، (1366)، شرح اصول کافی (کتاب العقل والجهل) عنی به تصحیح محمد خواجوی ، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چاپ اول

4- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب ابن اسحاق،(1389ق/1348ش)، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی،الجزء الاول ، قم ، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ج 1 ، ص 25

متن این حدیث را داوود الرقی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل می کند . ملاصدرا در شرح این حدیث بیان می کند که حجت بر دو قسم است ، یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی است .

حجت باطنی به عقیده او همان نور قدسی و برهان عرشی است که بر قلب برخی از افراد خاص تجلی پیدا می‌کند و توسط آن، آن شخص کامل به احوال مبدا و معاد و طریق قرب الی الله و دوری از عذاب روز قیامت آگاه می‌گردد.

اما حجت ظاهری، همان انبیا و ائمه هستند. به عقیده ملاصدرا، آدمیان جز عده بسیار، شاذ و قلیلی از آن هابه حجت باطنی نائل نمی‌گردند و محتاج حجت ظاهری‌اند که توسط اطاعت و فرمانبرداری از انبیا و ائمه به شناخت حق تعالی، راه وصول به او و نجات از عذاب اخروی نایل می‌گردند. (1) چنان که ملاحظه می‌شود ملاصدرا در این جا، بر فایده تشریحی وجود امام (ع) تاکید می‌کند و بر اساس همین فایده وجودی است که استدلال‌های اول، دوم، پنجم تا نهم خود را بر وجوب وجود امام اقامه می‌کند.

ملاصدرا، فایده تکوینی امام را در شرح خود بر حدیث چهارم از باب «ان الحجه لا تقوم لله علی خلقه الا بامام» بیام می‌کند، متن این حدیث از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند، چنین است:

«حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق می‌باشد و بعد از خلق هم باشد.» (2)

صدرالمتالهین در شرح این حدیث از قول عوام الناس که گمان می‌کنند، انبیا و ائمه فقط برای هدایت خلق خدا، آفریده شده‌اند، انتقاد کرده و این قول را تمام نمی‌داند و برآن است که غرض از آفرینش انبیا و اولیا چیزی است فراتر از اصلاح خلق و آن واسطه در ایجاد خلق بودن و خلقت آن هاست. (3)

در شرح اصول کافی، کتاب حجت، در روایت چهارم همین فصل آمده است که: قال ابو عبدالله علیه السلام: الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق ...، یعنی ائمه علیهم السلام از طرف خدا، قبل از خلق خلائق، حجت بوده‌اند و همراه با آنان نیز حجت‌اند و پس از انقراض عالم نیز حجت هستند.

ایشان، در توضیح این روایت پر بار و سنگین می‌فرماید: خدای متعال، نظام هستی را برای پیدایش نفوس کامل و ذوات عالی و انوار شامخ آفرید و اراده‌ی اولیه از پیدایش جملگی نظام صنع، آن است که در خط استکمال و تمامیت وجودی آن بزرگواران قرار گیرند و البته از آثار وجودی آن نیز هدایت بشری و راهنمایی نسل آدمی، بلکه ثقلین است و این خود، نکته ایست که از دقیق‌ترین مسائل کلام و فلسفه‌ی الهی شمرده می‌شود.

1- صدرالمتالهین، (1367)، شرح اصول کافی (کتاب فضل العلم و کتاب الحجه، عنی به تصحیح محمد خواجوی- تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول

2- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، (1389ق/1348ش)، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، الجزء الاول، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ج 1، ص 251-

3- صدرالمتالهین، (1367)، شرح اصول کافی (کتاب فضل العلم و کتاب الحجه، عنی به تصحیح محمد خواجوی- تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ص 463-464

براین اساس، ذات آن بزرگواران، قبل از خلق و همراه خلق و بعد از خلق، همواره غرض از خلقت عالمیان و حجت و دلیل بر اصل ایجاد بوده‌اند. به دیگر بیان، آن بزرگواران، علت نهایی نظام صنع هستند که بدون آنان



، خدای متعال ، دست به ایجاد هستی نمی زد . به همین دلیل است که در زیارت جامعه ی کبیره آمده است : « بکم فتح الله وبکم یختم » . همچنین مرحوم صدرالمتلهین ، در « باب حجت » شرح اصول کافی ، فصل دیگری را منعقد فرموده به نام « باب ان الارض لا تخلوا من حجه » در حدیث یکم این باب ، ابن ابی عمیر ، از حسین بن ابی علانقل می کند که از امام صادق (ع) سوال می کند : « تکون الارض لیس فیها الامام ؟ قال ، لا » : « آیا امکان دارد که زمین ، خالی از امام باشد ؟ در جواب فرمودند : ممکن نیست » .

### دیدگاه خاص ملاصدرا نسبت به جایگاه مهدویت :

جایگاه مهدویت بعنوان وجود برتر حجت الهی و لیداع واسطه گری در فیض الهی و بقای عالم بدلیل وجود حجت خدا در روی زمین ، مقتضای عنایت ربانیه است که نیاز مردم به وجود امام را از نیاز منافع ضروری شان بیشتر می داند. با این دیدگاه ملاصدرا معتقد است که محال است زمین از وجود امام خالی باشد . از نظر وی امام واسطه فیض الهی ، علت غایی و حتی علت فاعلی جهان است .

مهدویت دارنده مقام انسان کامل در جایگاه مقام امامت است و این منصب در مقام ثبوت ، کمال اول و ذاتی است . اما نصب وی در مقام اثبات ، کمال ثانوی و عرضی است . یعنی در تحقق خارجی و سروری ظاهری ، مقبولیت مردم و اقبال عمومی تعیین کننده است . اما متأسفانه از تاریخ اسلام و مسلمانان دیده می شود بواسطه شیطنت دنیا پرستان ، و ریاست طلبان وهوا وهوس بازان ، و خلفای ظلم وجور

-- بجز قریب به پنج سال برای امیر المومنین (ع) در تشکیل حکومت اسلامی در تحقق خارجی و سروری ظاهری و مقبولیت مردم و اقبال عمومی ، برای بقیه ائمه جهت تشکیل حکومت اسلامی مقبولیت عمومی تحقق خارجی پیدا نکرد. اما بر طبق سنت و وعده الهی برای مهدی موعود (ع) در برپایی حکومت جهانی و عدل الهی تحقق خارجی و سروری ظاهری ایجاد و مقبولیت مردم و اقبال عمومی حاصل خواهد شد ، و حق مظلومین عالم از ظالمین گرفته خواهد و ظالمین به سزای اعمال خود خواهند رسید ان شاءالله .

### نتیجه گیری :

تفکر مهدویت در فقه شیعه و در بین فلاسفه اسلامی خصوصاً صدرالمتلهین شیرازی به استناد مبانی مهدویت و به استناد دلایل عقلی و نقلی ، رهیافت خاصی نسبت به تاسیس نظام عدل الهی و جهانی ارائه کرده ، گر چه این تفکر به اشکال گوناگون در اکثر ادیان و مذاهب دینی و حتی غیر دینی وجود دارد . اما منحصر به فقه شیعه دوازده امامی است . این نظام الهی و سیاسی صبغه آرمانی دارد ، و آثار گسترده ای در تاریخ تمدن اسلام برجای گذاشته است . نظریه امامت و رهبری و حجت الهی در تفکر شیعه بر اساس نص از پروردگار و بیان سریع از زبان مبارک پیامبر (ص) جاری شده و هویت امامان معصوم علیهم السلام را معرفی کرده است .

ملاصدرا در آثار فلسفی و عرفانی خود بر اساس استدلال های عقلی و نقلی در مهم ترین آثار فلسفی اش همچون اسفار اربعه -- شرح بر اصول کافی -- مفاتیح الغیب -- اسرارالایات -- تفسیر قرآن کریم -- مبدا ومعاد ، به بررسی ابعاد گوناگون مساله امامت و مهدویت پرداخته است ، و با استناد به قواعد برهان لطف ،

قاعده امکان اشرف ، واسطه فیض الهی و دیگر براهین عقلی و همچنین دلایل نقلی شامل آیات قرآن کریم و احادیث و روایات پیامبر اسلام ( ص ) و سایر ائمه به اثبات امامت و مهدویت پرداخته است . و وجود برتر را بیان نموده و با ابداع واسطه گری در فیض الهی و بقای عالم ، به اثبات وجود حجت الهی می پردازد.

ملاصدرا امامت و ولایت را مقتضای عنایت ربانیه می داند و نیاز مردم به امام را از نیاز به منافع ضروری شان بیشتر می داند و قائل به وجوب عقلی و نقلی نصب امام بر خداوند است

و با اثبات وجوب عقلی امام بر خداوند ، تعیین وی با نص و ولایت تشریحی و تکوینی امام ، معتقد است که محال است زمین از وجود امام خالی باشد . از نظر وی امام واسطه فیض الهی ، علت غایی و حتی علت فاعلی جهان است .

دارنده مقام انسان کامل و سیر و سلوک معنوی در چهار سفر عقلی ، معنوی اسفار اربعه ، با سیر و سلوک در جایگاه مقام ولایت شکل گرفته است .

ملاصدرا معتقد است ، منصب امام در مقام ثبوت ، کمال اول و ذاتی است . اما نصب وی در مقام اثبات ، کمال ثانوی و عرضی است . یعنی در تحقق خارجی و سروری ظاهری ، مقبولیت مردم و اقبال عمومی تعیین کننده است . امام و ولی خدا در مقام ثبوت از آنجا که وضع قانون از جانب خداست و قانونی که منتسب به خداوند است قانونی . و قانونی که منتسب به خداوند نباشد دارای ارزش نیست . پس نصب امام به عنوان شرط ثبوت از جانب خداوند است .

در حقیقت مقام امامت در حکمت متعالیه و دیگر آثار ملاصدرا ، مقامی است که دارای اصالت قطعی باشد ، به گونه ای که هر آن چه جز اوست فرع بر وجود او ، و به سبب وجود اوست . دارنده این مقام حد اعلای وجود و کمالات و آثار است ، از جمله کمال عقل و نفس ناطقه را دارد . وجودی است که هیچگاه زمین خالی از آن نبوده ، کمال و ترقی نظام الهی مستلزم پیروی از رهنمودهای امام معصوم ( ع ) است . بودن وی در جایگاه مقام اثباتی خویش و معرفت و شناخت کامل مردم از شخص امام و مقام امامت است .

- 1- ملاصدرا، شرح اصول کافی، کتاب حجت ، ترجمه و تصحیح محمدخواجهی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول
- 2- معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت ، سیدمحسن طباطبایی و دیگران، ص 28
- 3- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص 18
- 4- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص 65-67
- 5- قرآن کریم، آیه 105 سوره انبیاء - سوره قصص ، آیه 5
- 6- سیدمحمدکاظم قزوینی، امام مهدی(ع) از ولادت تا ظهور، ص 566
- 7- ملاصدرا ، اسرار الایات ، ص 239-237
- 8- ملاصدرا ، اسفار اربعه، ج 5 ، ص 25
- 9- فصلنامه اندیشه دینی ، اصغر پوربهرامی ، مقاله مهدویت و ضرورت وجود امام از دیدگاه صدرالمتهین، صفحات 114-91 ، دانشگاه شیراز تابستان 1385
- 10- مفاتیح الغیب ، مع تعلیقات للمولی علی النوری ، صححه و قدم له ، محمد خواجهی ، تهران موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ، چاپ اول
- 11- قرآن کریم ، سوره بقره ، آیه 31
- 12- رحیم لطیفی ، ادله عقلی و نقلی امامت و مهدویت
- 13- کمال الدین ، شیخ صدوق ، ج 2 ، ص 361